

اول مه شهرهای کردستان ، کشمکشی رو در رو با جمهوری اسلامی

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

* دستگیر شدگان اول مه باید آزاد شوند

مراسمهای روز کارگر به منظور مقابله با مراسم و جشن روز کارگر بود. اخبار کامل اتفاقات روز کارگر توسط مرکز خبری کمیته کردستان منتشر شده است. مرور خلاصه وار اتفاقات روز کارگر ، هراس و ترس و در عین حال قلدری جمهوری اسلامی را از به میدان آمدن نیرو و اراده کارگران و مردم حق طلب نشان میدهد.

سندج

صدها کارگر با خانوادههایشان در جلو ساختمان روابط کار در خیابان آبیتر سندج به مناسبت اول مه تجمع کردند. نیروهای انتظامی به صفوف کارگران حمله کردند و تعدادی را دستگیر و باخود بردند. کارگران از خیابان آبیتر به طرف میدان آزادی حرکت کردند، که با برخورد شدید نیروهای انتظامی مواجه شدند. ص ۲

شهرهای کردستان دوباره شاهد تحرک و گسترده به مناسبت روز جهانی کارگر بود. علیرغم تهدیدات و ایجاد محدودیتهای فراوان از جانب جمهوری اسلامی و خودداری کردن مقامات محلی این رژیم از صدور مجوز برای مراسمهای اول مه ، فعالین و پیشروان کارگری و مبتکران برگزاری اول مه از پای ننشستند، در شهرهای سنندج، مریوان، کامیاران، سقز برای برگزاری اول مه اقدام کردند. تدارک اول مه، بسیج کارگران و مردم و پخش تراکتها، پوسترها و شعار نویسی به مناسبت اول مه از روزها قبل در دستور کمیته ها، فعالین و دست اندرکاران اول مه و فعالین حزب حکمتیست قرار گرفت.

هراس و ترس جمهوری اسلامی از برگزاری جشنهای بزرگ اول مه آشکار بود. آماده باش نیروهای انتظامی و گسیل آنها به محل

دنیا، جنگلی که در آتش مهیب توحش و جنون می سوزد

دیبا علیخانی

توحش و ارتجاع سایه ی شومش را بر زندگی تمامی زنان انداخته است ، از سایه الطاف مناسبات نابرابر وضع موجود، مرد سالاری و دین سالاری مرزی نمی شناسد دستاورد پلید آن در سراسر دنیا ملموس است . هر روز شاهد جنایت تکان دهنده تر از روز پیش هستیم . در بریتانیای کبیر در هر سه روز یک زن بر اثر خشونت از بین می رود . در شهر ابسویچ انگلیس قتلهای زنجیره ای ص ۲

کترا در کردستان

(ترجمه بخشهایی از مصاحبه عبدالله مهتدی با دو ویلاگ نویس آمریکایی)

...عبدالله مهتدی از چند سال قبل راهی را آغاز کرده که کنترها در نیکاراگوئه و مواجب گیران کوسوو به سر انجام رساندند. اینرا اضافه کنم که رکن اساسی مبارزه ما حکمتیستها و آزادبخوانان و تمام کسانی که نمیخواهند ایران عراقیزه شود، حاشیه ای کردن چنین سیاست و تفکری است که در سایه منجلا ب عراق در حال رشد و نمو هستند. ... ص ۳



جمال کمانگر

پنوشینه ما
منتشر میشود

اکتبر ۱۳۹

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶-۳ مه ۲۰۰۷

سردبیر : رحمان حسین زاده
husienzade_r@yahoo.com
دستیار سردبیر: پری زارع
Pari.zarea@gmail.com

www.oktoberr.org

اعتصاب معلمان در شهرهای

کردستان

(کمیته کردستان حزب حکمتیست)

معلمان شهرهای کردستان هماهنگ با همکاران خود در اکثر شهرهای ایران امروز ۱۲ فروردین تحصن و تجمع کردند . صدها معلم در شهر سنندج درمقابل ساختمان آموزش و پرورش دست به اعتراض زدند. نزدیک به هزار نفر از معلمان شهر سنندج امروز در محل اداره آموزش و پرورش استان کردستان تجمع کردند و خواستها و مطالبات خود را در برابر مسولین دولتی مطرح کردند معلمان معترض دهها پلاکارد و کاغذ نوشته در اتحاد با مبارزات معلمین سراسر کشور در دست داشتند مطالبات صنفی واجتماعی معلمان را فریاد کردند و قطع نامه ای صادر نموده و چند نفر از معلمان ونماینده هایشان سخنرانی کردند. بخشی از شعارهای معلمان عبارت بودند از :

معلم زندانی آزاد باید گردد، فرهنگی اتحاد اتحاد، خواسته های انسانی انتظار انسانی علم را با زندانی کردن معلم خوار نکنید

معلمان شهر و روستاهای مریوان نیز هماهنگ و همبسته با اعتصاب سراسری معلمان از رفتن به سر کلاسهای درس خودداری کردند. معلمان از ساعت نه و نیم صبح امروز در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر به تجمعی اعتراضی دست زده و خواستار افزایش حقوق خود شدند.

شرکت بی اما و اگر و تمام و کمال معلمان در اعتصابات که اعلام میشود ضامن پیروزی جنبش حق طلبانه آنان است. ص ۴

مرگ پر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ادامه از صفحه ۱

اول مه شهرهای کردستان...

... پلاکاردها و تراکتهای مربوط به اول مه توسط نیروهای امنیتی ازدست مردم گرفته می شد. دوربین فیلم برداران و عکاسان توسط لباس شخصی ها ضبط و از تهیه عکس و فیلم ممانعت می شد. نیروهای امنیتی به سراغ تعدادی از فعالین انجمن های مدنی رفته و آنها را به اداره اطلاعات فراخوان داده اند. تعدادی دستگیر شدند که عبارتند از ۱- صدیق کریمی ۲- اقبال لطیفی ۳- یدالله مرادی ۴- نجم الدین رجبی ۵- فاروق گویلی ۶- انور مفخاری ۷- صدیق امجدی ۸- حبیب الله کلکانی ۹- محی الدین رجبی ۱۰- صالح رحیمی ۱۱- جمیل خدا کرمی ۱۲- صدیق صبحانی که تاکنون آزاد نشده اند. شیث امانی و طیب امجدی و دو نفر دیگر بعد از مدت کوتاهی آزاد شدند تعدادی از کارگران و خانواده های دستگیر شدگان با اجتماع در مقابل کلانتری ۱۲ خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان شدند. در خیابان صفری نیروهای پلیس و اطلاعات با کارگران و مردم درگیر شدند.

مربیان:

در اول مه شهر مربیان شاهد جنب و جوش در

میان فعالین روز کارگر بود. با پخش شیرینی و تریک روز کارگر جشن این روز شروع شد. ساعت سه و نیم در پارک ملت تجمع اولیه برپا شد. سپس جمعیت به طرف دریاچه زریبار حرکت کرده و در جوار تالار قصر تجمع میکنند. جمعیت بیشتری به شرکت کنندگان در مراسم افزوده میشود. نیروهای انتظامی و بعد مسئول اطلاعات سر رسیده و با تهدید و ارباب مانع ادامه مراسم شده و به آنها حمله میکنند. تعدادی از شرکت کنندگان با مسئول اطلاعات وارد بحث شده و از حق برگزاری اول مه دفاع میکنند. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی با محاصره کردن محل مراسم و دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان مانع برگزاری مراسم شدند. دستگیر شدگان عبارتند از: سلام قادری، کاروان درسید و کامل همتی و فردی دیگر به اسم حسن که تاکنون در بازداشت بسر میبرند.

کامیاران:

مراسم روز کارگر از طرف تعدادی از جوانان در خارج شهر برگزار شد. در اقدام دیگری بروشوری از تاریخچه اول مه و مبارزات کارگران در تمام نقاط شهر پخش شد.

در شهر سقز با وجود دستگیری محمود صالحی

فعال کارگری شناخته شده و مبارز و دستگیری چند تن دیگر در روزهای قبل از اول مه، کارگران و مردم شهر با ابتکارات مختلف و از جمله پخش شیرینی و تراکت در گرمیاداشت اول مه و طرح مطالبه فوری آزادی محمود صالحی این روز را گرمی داشتند. در شهر بیرانشهر در پارک نزدیک میدان سردشت پلاکارد بزرگ (گرمی باد اول مه روز جهانی کارگر) نصب شده بود و حدود ۲۰۰ نفر در آنجا تجمع کردند. در شهر بوکان تعدادی از کارگران و خانواده هایشان در سالنی تجمع کرده و سخنرانیهایی ایراد شد. قطعنامه ای قرائت گردید. مراسم با پخش شیرینی به اتمام رسید.

کمیته کردستان حزب حکمتیست، برگزاری مراسمهای اولیه را به فعالین و دست اندرکاران تریک میگوید. حمله سرکوبگران جمهوری اسلامی به مراسمهای اول مه را قویا محکوم میکند. خواستار آزادی فوری همه دستگیرشدگان این مراسمها است. کارگران و مردم آزادیخواه را به فعالیت و مبارزه متحدانه به منظور آزادی دستگیر شدگان فرا میخواند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶

دوم مه ۲۰۰۷

ادامه از صفحه ۱

دنیای جنگلی که در آتش مهیب توحش و جنون میسوزد

... زنان تن فروش اتفاق می افتد و خانواده هایشان در مصاحبه های بی بی سی با شرم رو به مردم می گویند دخترانشان معتاد بوده اند، در سوئد و آلمان امثال فاطمه ها را به قتل می رسانند، در لندن قاتلان بهناز و هیشو در مقابل دادگاه با افتخار سر بلند می کنند و مجریان قانون فرزندان خلف جنگل سنگ نسبیت فرهنگی را بر سینه ی کریه شان می زنند.

می آنطرفتر در عمق جنگل سیاهی موج می زند ایران، افغانستان، پاکستان، عراق برای زنان به قتلگهی مشروع مبدل شده است ترور زنان به بهانه دفاع از شرف برای همه ما آشناست. قتل وحشیانه ی دعا دختر نوجوان هفده سالی موصلی دنیا را تکان داد، آن فضای مسموم و آن جانین که با طیب خاطر صحنه های بازی مرگشان را بر سکوی قدرت و مالک بودن بر وجود زن به دنیا ارزانی داشته اند و با این روش تثبیت بی بقای ارتجاع را به زندگی مردم نشان داده اند.

در ایران نیز وضع زنان حال و روز بهتری ندارد در طول سالهای سال کار با مراکز مختلف درمانی و به عنوان فعال حقوق زن بارها و بارها با قتل زنان تحت لوای ناموس نه فقط رو به رو بوده ام بلکه خود با چشم خویش سر بریده ی فریده عبدالحکیمی را در ملا عام در جلو دادگاه شهرم دیده ام که در خوش غلت میزد و با همه ی وجودم برای دردی مشترک با جسم در خون غلتیده اش نه تنها گریسته ام بلکه پرچم نه به ترور و نه به قتل ناموسی را زهرتریبونی و هر امکانی از سمینارها و کارگاهها تا کلاسهای درس و دانشگاه همراه با بارانم در جنبش آزادیخواهی زنان به اهتزاز در آورده ایم و نیک می دانیم مادامی که در قانون نصف انسان به حساب می آییم و قانون به ترور ما با نام قتل ناموسی مشروعیت می دهد، زالوهای ناموس پرست محیط زیستی امن دارند. اما دردناک تر این است که امروز در عراق در کنار سلاخی روزمره مردم توسط اسلاميون مرگ و سنکساز دختری ۱۷ ساله ظاهرا کوچک جلوه میدهد. دنیا و همه ی انسانهای آزادیخواه مدافعین حقوق زن و کودک، نباید در قبال این توحش سکوت کند. زن کشی، کودک کشی دیگر بس است. جنبش آزادیخواهی زن در عراق نباید شاهد مخابره ی صحنه های بربریت به دنیا باشند. این صحنه ها خواست مردم عراق نیست، این هلهله ی بربریت بر مرگ انسان بی دفاع و بی سازمان است. در خلا آلترناتیو مدافع حقوق زن و انسان دست یاغیان مرگ باز است. باید در میان خود مردم و با خود مردم اعتراضاتشان را سازمان داد، هیچ درنگی نباید تلاش ما را برای ساختن دنیایی دیگر را متوقف کند.

(برگرفته از سایت آزادی بیان)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کنترا در کردستان

جمال کمانگر

بعضی نوشته‌ها، مواضع احزاب و سازمانهای سیاسی به یمن انترنات این روزها به آسانی در اختیار همه قرار دارد. اتفاقات در دنیای احزاب و مشغله‌هایشان برای هر ناظر بی طرفی اگر به این تیپ سیاسیون ایران توجه داشته باشد میتواند جالب و خواندنی باشد. نگاه به این مصاحبه‌ها در عین حال وصف حال کسانی است که وقتی از سالن عبور میکنند و در طرف دیگر سیاست مینشینند چقدر کمیک خواهد بود. قهرمانان دیروزی این جماعت به ضد قهرمان و برعکس تبدیل میشوند. این خیل از سیاسیون متاسفانه بیشتر در میان کسانی هست که روزی عکس گرفتن در کنار کمونیستها و تداعی کردن خود با مارکس و انگلس جزو افتخارات آنها بود. این کنجکاوی ناظر بی طرف را زمانی بیشتر میکند که طرف با یک خبرنگار یا معلوم نیست مامور امنیتی، مصاحبه داشته باشد. من قصدم نگاه به تک تک این افراد نیست. نه وقتش هست و نه خواننده حوصله آنرا دارد. برای من مدتها بود که خط و جهت عبدالله مهتدی روشن بود که سر از کدام جنبش ارتجاعی در آورده است. اما کنجکاوی من زمانی بیشتر شد که جناب "پروفیسور" (لقبی که مامور یا خبرنگار آمریکایی به عبدالله مهتدی داد) به این خبرنگاران چی دارد بگوید. وقتی مصاحبه را به دقت خواندم حیفم آمد که آنرا برای کسانی که انگلیسی زبان نیستند، ترجمه نکنم! و حداقل بخشهایی از آن را از طریق نشریه اکتبر قابل دسترس نکنم. عبدالله مهتدی در این مصاحبه که بیشتر به مصاحبه امنیتی شباهت دارد، نکاتی را مورد تاکید قرار میدهد که خواننده را به قضاوت در مورد آن فرامیخوانم. این مصاحبه تیپیک آدمی است که تصمیم دارد به هر قیمتی که هست دل ماموران امنیتی "سیا" را به دست آورد. چه آنجا که علیه گذشته خود شمشیر میزند و اظهار ندامت میکند که در دهه هفتاد و هشتاد میلادی علیه آمریکا بوده است! به گذشته خود تف و لعنت میفرستد که تشکیل حزب کمونیست "اشتباه" بود. حزب کمونیست ایران را "شپشویا اکبری" خطاب میکند. افتخارات جدیدش "محمود امین زکی" مورخ دربار عثمانی است که "کردایه تی" را از او یاد میگیرد. در مورد احزاب سیاسی در کردستان الفاظ و القابی به کار میبرد که فکر نکنم در درون دستگاههای امنیتی دول منطقه و یا سیا این چنین باشد! عبدالله مهتدی آنجا که در مورد وضعیت اقتصادی و "معادن کردستان" حرف میزند به سان کسانی که در بازارهای هفته برای جنس بنجل خود دنبال خریدار هستند، داد سر میدهد که "ما نفت داریم، طلا داریم، انبار غله ایران هستیم، سرچشمه آب در ایرانیم" و غیره... و از این گله دارد که چرا انگلیسیها استخراج معادن طلا در کردستان را متوقف کردند. البته ماموستا مهتدی میگوید که دلایل سیاسی داشته است. کی و کجا را میگوید ما نمی دانم!! نکات زیادی در این مصاحبه هست. در اینجا بخشهایی از این مصاحبه در نشریه اکتبر منتشر میشود و مطالعه آن را به همه توصیه میکنم.

خلاصه عبدالله مهتدی از چند سال قبل راهی را آغاز کرده که کنتراها در نیکاراگوئه و موجب گیران کوسوو به سر انجام رساندند. اینرا اضافه کنم که رکن اساسی مبارزه ما حکمتیستها و آزادیخواهان و تمام کسانی که نمیخواهند ایران عراقیزه شود، حاشیه ای کردن چنین سیاست و تفکری است که در سایه منجلا ب عراق در حال رشد و نمو هستند.

بخشهایی از مصاحبه پاتریک و توتین دو ویلاگ نویس (یا مامور سیا) با عبدالله مهتدی در مقر مرکزیشان در عراق (متن کامل انگلیسی این مصاحبه در سایت بروسکه وجود دارد)

توتین: چرا دولت ایران این کار را میکند؟ آیا این جنگ مذهبی، جنگ قومی یا جنگ سیاسی است؟

پاتریک: یا ترکیبی از اینهاست؟

مهتدی: ترکیبی از اینهاست اما بیشتر سیاسی و قومی و مذهبی هم هست. در کردستان سه مذهب مهم وجود دارد. بیشتر کردهای ایران مذهب سنی دارند. اما اقلیتی قابل ملاحظه شیعه هم در کردستان ایران هست. توتین: چه تعداد ما در مورد آنها حرف میزنیم؟

مهتدی: دست کم ۳۰ درصد کردها در چهار استان مختلف زندگی میکنند. تنها یکی از آنها کردستان نامیده میشود. اولی از بالا به پایین، غرب آذربایجان که با آذربایجان مشترک است. مهاباد در غرب آذربایجان قرار دارد. مهاباد همانطوری که میدانید پایتخت جمهوری کردستان بود که عمر کوتاهی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ داشت. بعد استان کردستان بعد استان کرمانشاه و استان ایلام. بنابراین ما چهار استان در غرب و شمال غرب ایران داریم. و همچنین ما میلیونها کرد داریم که چه تعداد، واقعا نمی دانم که آنها در این استانها نیستند ما کرد در شرق ایران داریم آنها کردهای هستند که در دوره صفویه و قاجار و پهلوی ها پهلوی اول نه دوم تبعید شدند. زیرا آنها فکر میکردند که کردها مشکل ساز هستند. آنها بزور سرزمینهای کردها را مصادره کردند. آنها را از سرزمینهایشان جدا کردند. و چونکه کردها جنگ جویان خوبی بودند. ایران همیشه در تاریخش به جز اشغال عرب هاو اشغال از طرف شمال شرق توسط ترکها. آنها کردها را برای دفاع به آنجا می فرستادند.

توتین: چه تعداد کرد در ایران زندگی میکنند؟

مهتدی: در این چهار استان ۱۲ میلیون نفر

توتین: اینکه خیلی زیادتر از اینجاست (کردستان عراق) مهتدی: بله. طبق منابع ما در وزارت بودجه و برنامه در ایران ۳۵ درصد از تمام منابع زیر زمینی آب از کردستان سرچشمه میگیرد. بعلاوه کردستان خیلی غنی است در مورد نفت و معادن در همه جا. دو محل کشف شده اند. ما معادن طلا داریم، یکی از آنها توسط انگلیسیها کشف شد. بعد انگلیسیها از قرار داد بیرون رفتند. نمی دانم چرا؟! شاید به دلایل سیاسی. انواع معادن کردستان خیلی غنی است در کشاورزی انواع مختلف غله... چیزی شبیه انبار غله برای ایران!

توتین: کردهای ایران در مورد پیوستن به کردستان بزرگ چه فکر میکنند. ما چیزی در این مورد نشنیدیم چون خبرنگارها به آنجا نمی روند.

مهتدی: این یک رویا است. مردم این را بعنوان یک حق ملاحظه میکنند. اما بستر اصلی سیاست در کردستان ایران جدایی طلبی نیست.

توتین: پس برای چی هست؟

مهتدی: برای ایران دموکراتیک، سکولار، فدرال که در آن کرد حقوق خودش را داشته باشد.

توتین: آیا این یک موضوع پراگماتیک نیست؟

مهتدی: شما میتوانید اینطور تصور کنید. اما انتخاب باید واقعی باشد. در اینجا کردستان بزرگ انتخاب واقعی نیست. وقتی این به یک انتخاب واقعی تبدیل شد مردم میتوانند انتخاب کنند. تنها انتخاب ممکن مردم کردستان به حقوقشان در ایران برسند. اما باید اینرا هم اضافه کنم که تاریخا رابطه خوبی بین بخشهای مختلف کردستان وجود داشته است. آنها تاثیر زیادی از همدیگر میگیرند. مخصوصا کردستان عراق و کردستان ایران. آنها تقریبا مثل هم صحبت میکنند. بنابراین آنها خیلی به هم نزدیک هستند. سیاسیها هم آنها احساس نزدیکی میکنند. آنها رابطه خویشاوندی با هم دارند. شما خانواده ای دارید که قسمتی در ایران و قسمتی در عراق زندگی میکنند. در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ که انقلاب در ایران به وقوع پیوست عظیم ترین فرصت بود برای اتحادیه میهنی و کردهای عراق که علیه صدام میجنگیدند و در حقیقت آنها را از نابودی نجات داد.

پاتریک: در سال ۱۹۹۱ دوباره!

مهتدی: البته و از ۱۹۹۱ کردهای عراق با تمام مدت کوتاهی که بودند اما هنوز سرچشمه الهام بخش کردهای ایران بودند. برای مثال وقتی که قانون فدرالیسم در پارلمان عراق تصویب شد تظاهرات های عظیمی در بیشتر شهرهای کردستان ایران انجام شد. وقتی جلال طالبانی رئیس جمهور عراق شد تظاهراتهای بزرگی در شهرهای کردستان انجام شد که به درگیری با نیروهای دولت ایران منجر شد. این درست شبیه سال ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ وقتی که جمهوری مهاباد در کردستان ایران استقرار پیدا کرد. همچنین جنبش کردایه تی در ایران سال ۱۹۷۹. تاثیر بزرگی از لحاظ سیاسی و فرهنگی بر کردهای عراق گذاشت. این با خودش مفاهیم تازه ای برای کردها به ارمغان آورد. یک همکاری نزدیک بین کردهای ایران و عراق و احزابش را شروع کرد. این (کردستان بزرگ) یک انتخاب واقعی است که ما میتوانیم بکنیم. یا تصمیمی بگیریم. اما در حال حاضر فقط یک رویا است. اما چه کسی میداند شاید آن زمان هم خواهد آمد.

پاتریک: من شک داشتم که اگر تمام کردستان یکی بشود آنها یک زبان خواهند داشت و آنهم انگلیسی.

توتین: خوب، چقدر تفاوت دارند این لهجه ها.

مهتدی: آنها لهجه نیستند.

توتین: آیا بیشتر لهجه ها است؟

مهتدی: این بیشتر از لهجه است. دو تا از این زبانها بیشتر از لهجه است. یکی که به «کردی استاندارد» سوران میگویند که برای صحبت کردن و نوشتن در کردستان ایران و عراق بکار میرود. یکی دیگر که غیره قانونی در ترکیه و سوریه با آن صحبت میکنند و مینویسند.

توتین: آیا هنوز در ترکیه غیره قانونی است؟ من میدانم که در ترکیه بیشتر این قوانین عوض شده است. مهتدی: بله پروسه تغییر در ترکیه وجود دارد. اما آنها هنوز راه طولانی در پیش دارند.

توتین: میدانم که آنها انجام میدهند. سال گذشته من در کردستان ترکیه بودم. جای زیبایی نیست. در آنجا هنوز جنگ در جریان است. و اقتصاد صفر است. مهتدی: صادقانه بگویم شبیه موقعی که ما به استانبول و آنکارا میرویم خیلی تفاوت دارد با کردستان. شبیه مستعمره است. شما میتوانید احساس کنید که تحت ستم استعمار هستند. شبیه قرن ۲۰ یا ۲۱ نیست. پاتریک: یا مثل قرن ۱۹ است. من فکر میکنم وضعشان در زیر سایه عثمانیها بهتر بود.

توتین: شاید وضعشان تحت سیطره عثمانیها بهتر بود. مهتدی: این طور بود. منظورم این است که ما تاریخ نگار مشهوری مانند محمود امین زکی داشتیم. او یکی از مقامات عالی رتبه امپراطور عثمانی بود. و او به ما میگوید که چگونه به کرد بودن خود آگاه شد. او می گوید هیچ کس نگفت ما ترک هستیم. همه میگفتند که ما عثمانی هستیم. و ما خوب بودیم. این خوب بود برای ما. سپس مردم شروع کردند که بگویند ما ترک هستیم. و من متوجه شدم که من ترک نیستم و کرد هستم. آنها همه چی را ترکیزه کرده اند. جای برای دیگران نیست. و آن آغاز..... بیداری کرده است.

توتین: ناسیونالیست ترک و عرب خیلی در برخورد به هم شبیه هستند مهتدی: بریتانیا، بریتانیا کشورها و مناطقی که تحت مستعمره داشت. اما آنها هیچ کاری برای اقلیت های قومی نکردند. آنها هیچی برای مردم اقلیت های قومی نکرده است. اما در ترکیه آنها قومیت ما را نژاد ما را رد میکنند. بنابراین بیشتر عمیق تر از این است. ستم بیشتر از این است. استعمار نوعی از ستم است اما از بالا به پایین. از بالاست. این به داخل بافت جامعه نرفته است. پاتریک: بنظر میرسد که خیلی تحصیل کرده هستید. کجا درس خواندید؟

مهتدی: خوب، [خنده] من تحصیل کرده نیستم. من در تهران درس خوانده ام. من زبان فارسی را مثل زبان مادری صحبت میکنم. پدر من عضو حزب دمکرات که جمهوری مهاباد را مستقر کرد بود. او در کابینه قاضی محمد وزیر بود. قاضی محمد رئیس جمهور کردستان بود. سپس او به دار آویخته شد. او فرار نکرد. او فکر میکرد بهتر است که بماند شاید جلو سرکوب دولت ایران و شاه را بگیرد. بنابراین او در شهر مهاباد ماند و آنها او را همراه با دو برادرش و عمویش در سال ۱۹۴۶ به دار آویختند.

توتین: آنها بدون لمس کردن طناب حمایت را نمی گرفتند. شاید کابلها توضیح بهتری باشد. مهتدی: درست است. کومه او، کومه ما نیست. آن کومه کردستان ایران در سال ۱۹۴۲ تاسیس شد. در آن زمان وقتی متفقین تصمیم گرفتند که ایران را اشغال کنند برای اینکه راهی برای فرستادن کمک از سوی آمریکا، انگلیس و متفقین برای اتحاد شوری و استالین علیه هیتلر دفاع کند. وقتی آنها ایران را اشغال کردند رضا شاه را بر کنار کردند پدر رضا شاه دوم که در انقلاب ۱۹۷۹ سرنگون شد. مهتدی: رضا شاه ارتباطاتی با هیتلر شروع کرده بود. او آدم خیلی عجیبی بود. بگذریم. با هیتلر رابطه برقرار کرد و سعی کرد فاصله خودش را از بریتانیا نشان دهد و تبلیغات آریایی را شروع و علیه بریتانیا ایستاد. بنابراین او را سرنگون کردند. ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۳ دوران طلایی دموکراسی در ایران بود. فقط در آن دوران بود که مردم ایران سلطنت مشروطه داشتند. در آن زمان بود که اولین حزب مدرن کردی به نام کومه ژ.کاف تاسیس شد.

توتین: شما از آن کومه ای که پایین جاده است (اشاره به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه دارد). انشعاب کردید؟ ما در مورد آن میدانیم چون همانطور که شما میدانید ما به طور اتفاقی آنها را چند روز قبل ملاقات کردیم به جای شما!!

مهتدی: آن کومه مخفیانه در سال ۱۹۶۹ تحت حکومت شاه تاسیس شد. ما سازمان چپی بودیم. دهه ۶۰ و ۷۰ (میلادی). مبارزه علیه شاه و علیه ستم و دیکتاتوری و برای عدالت اجتماعی و علیه... آمریکا. متاسفم!!

توتین: خوب، اشکال ندارد.

پاتریک: پدر من هم همان زمان شدیداً علیه بعضی از جنبه های (سیاست) آمریکا بود. مهتدی: ما تحت تاثیر جنبش ضد جنگ در دهه ۷۰ بودیم! توتین: ما انتظار موضع دیگری از شما نداریم. شما چپگرا بودید، بنابراین...

مهتدی: بله، اکی، بنابراین، اعضای کومه چندین بار دستگیر شدند. اکثر فعالین سیاسی مختلف در ایران، فعالیت آزاد سیاسی نبود. مخصوصاً در دهه ۷۰ (میلادی) یک سیستم سرکوبگر و شکنجه گر وحشی در ایران و در زندان ها حکومت میکرد.

توتین: شما چگونه نجات پیدا کردید؟ مهتدی: اول از همه، ما مانند سازمانهای چپ دیگر نبودیم. ما ارتباط واقعی با مردم داشتیم. با مردم واقعی! ما یک جنبش واقعی بودیم. و آن کاراکتر ما برای دهه ها بوده است.

مهتدی: (خنده) بله دقیقاً. در سال ۱۹۸۳ ما بخشی از

توتین: آیا هنوز در ترکیه غیره قانونی است؟ من میدانم که در ترکیه بیشتر این قوانین عوض شده است. مهتدی: بله پروسه تغییر در ترکیه وجود دارد. اما آنها هنوز راه طولانی در پیش دارند.

توتین: میدانم که آنها انجام میدهند. سال گذشته من در کردستان ترکیه بودم. جای زیبایی نیست. در آنجا هنوز جنگ در جریان است. و اقتصاد صفر است. مهتدی: صادقانه بگویم شبیه موقعی که ما به استانبول و آنکارا میرویم خیلی تفاوت دارد با کردستان. شبیه مستعمره است. شما میتوانید احساس کنید که تحت ستم استعمار هستند. شبیه قرن ۲۰ یا ۲۱ نیست. پاتریک: یا مثل قرن ۱۹ است. من فکر میکنم وضعشان در زیر سایه عثمانیها بهتر بود.

توتین: شاید وضعشان تحت سیطره عثمانیها بهتر بود. مهتدی: این طور بود. منظورم این است که ما تاریخ نگار مشهوری مانند محمود امین زکی داشتیم. او یکی از مقامات عالی رتبه امپراطور عثمانی بود. و او به ما میگوید که چگونه به کرد بودن خود آگاه شد. او می گوید هیچ کس نگفت ما ترک هستیم. همه میگفتند که ما عثمانی هستیم. و ما خوب بودیم. این خوب بود برای ما. سپس مردم شروع کردند که بگویند ما ترک هستیم. و من متوجه شدم که من ترک نیستم و کرد هستم. آنها همه چی را ترکیزه کرده اند. جای برای دیگران نیست. و آن آغاز..... بیداری کرده است.

توتین: ناسیونالیست ترک و عرب خیلی در برخورد به هم شبیه هستند مهتدی: بریتانیا، بریتانیا کشورها و مناطقی که تحت مستعمره داشت. اما آنها هیچ کاری برای اقلیت های قومی نکردند. آنها هیچی برای مردم اقلیت های قومی نکرده است. اما در ترکیه آنها قومیت ما را نژاد ما را رد میکنند. بنابراین بیشتر عمیق تر از این است. ستم بیشتر از این است. استعمار نوعی از ستم است اما از بالا به پایین. از بالاست. این به داخل بافت جامعه نرفته است. پاتریک: بنظر میرسد که خیلی تحصیل کرده هستید. کجا درس خواندید؟

مهتدی: خوب، [خنده] من تحصیل کرده نیستم. من در تهران درس خوانده ام. من زبان فارسی را مثل زبان مادری صحبت میکنم. پدر من عضو حزب دمکرات که جمهوری مهاباد را مستقر کرد بود. او در کابینه قاضی محمد وزیر بود. قاضی محمد رئیس جمهور کردستان بود. سپس او به دار آویخته شد. او فرار نکرد. او فکر میکرد بهتر است که بماند شاید جلو سرکوب دولت ایران و شاه را بگیرد. بنابراین او در شهر مهاباد ماند و آنها او را همراه با دو برادرش و عمویش در سال ۱۹۴۶ به دار آویختند.

ادامه از صفحه ۱

اعتصاب معلمان در شهرهای کردستان

اعتصاب عمومی معلمان یعنی تعطیلی همه مدارس در همه شهرها و مناطق و یعنی شرکت همه معلمان در این مبارزه دستجمعی و عادلانه. صدای معلم صدای همه ما است. حمایت کارگران، دانشجویان، زنان، نهادهای اجتماعی و دانش آموزان و خانواده هایشان از مبارزه معلمان ضروری و حیاتی است و بار سنگین کنونی و فشارهای رژیم را بر دوش معلمان سبک میکنند. پیروزی معلمان در مبارزه برحق و انسانی پیروزی همه ما است. باید این جنبش انسانی را با تمام قوا حمایت کرد کمیته کردستان حزب حکمتسیت با تمام قوا از اعتصاب و اعتراض معلمان حمایت میکند و همه مردم آزادخواه را به پشتیبانی از خواستههای برحق معلمان فرا میخواند.